

## چیستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و لوازم روش شناختی آن در حوزه علوم اجتماعی

حسین سوزنچی<sup>۱</sup>، رضا ملایی<sup>۲</sup>

### چکیده

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، مفاهیم اجتماعی را اعتباریاتی اجتماعی معرفی می‌کند که پس از تشکیل اجتماع، «به وجود می‌آیند، با اجتماع معنا می‌یابند، کنش اجتماعی را ممکن می‌سازند، عمدتاً متغیر و در اندک مواردی ثابت بوده و همچنین ابزارهایی برای رفع نیازها و نیل به کمالات اجتماعی» هستند. این اعتباریات، اگرچه می‌توانند متأثر از واقعیات خارجی باشند، لکن بدون تطابقات عقلا و توافقات اجتماعی آنها تحقق نمی‌یابند. از این رو فاقد هستی در جهان خارج بوده و صرفاً از هستی‌ای بین‌الذهانی بهره‌مند می‌باشند. اتکاء اعتباریات اجتماعی به توافقات اجتماعی و انحصار هستی آنها در بین‌الذهانیت، گزاره‌های علوم اجتماعی را از گزاره‌های یقینی به گزاره‌های مشهوره، مسلم و مقبوله تنزل می‌دهد. از آن پس علوم اجتماعی و به‌طور کلی حکمت عملی با چرخشی روش‌شناختی مواجه ساخته و این حکمت را از حکمتی برهانی محروم می‌سازد و آن را به سوی حکمت جدلی سوق می‌دهد. در حالی که در سنت فیلسوفان مسلمان حکمت عملی و علوم اجتماعی شکل گرفته ذیل آن، همواره متکی به روش‌های برهانی بوده است. در نتیجه تأثیر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی بر تنزل روش‌شناختی حکمت عملی و علوم اجتماعی شکل گرفته ذیل آن، مقتضی بازنگری و یا دست‌کم بازسازی نظریه اعتباریات در حوزه اعتباریات اجتماعی و بازگشت به سنت فیلسوفان مسلمان در این حوزه است.

واژگان کلیدی: اعتباریات اجتماعی، برهان، جدل، تنزل.

souzanchi@gmail.com

tamhid1359@gmail.com

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم ۱

۲. دانشجوی فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم ۷

نحوه استناد: سوزنچی، حسین؛ ملایی، رضا (۱۳۹۸). «چیستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و لوازم روش شناختی آن در حوزه علوم اجتماعی»، حکمت/اسلامی، ۶ (۱)، ص ۱۰۱-۱۱۵.



## مقدمه

علامه طباطبایی مفاهیم را به حقیقی و اعتباری تقسیم کرده‌اند. مفاهیم حقیقی ادراکاتی متنوع از جهان خارج هستند که تمام هویتشان حکایت از همان چیزی دارد که از آن انتزاع شده‌اند. اما مفاهیم اعتباری، ادراکاتی هستند که هویت حکایی نداشته و از چیزی در جهان خارج حکایت نمی‌کنند. آنها محصول جعل و قراردادهای انسانی هستند که برای حصول غیایاتی - اعم از حقیقی و غیر حقیقی - منعقد گردیده‌اند.

مفاهیم اعتباری در دل خود، تقسیمات مختلفی پذیرفته‌اند. یکی از این تقسیمات، تقسیم مفاهیم اعتباری به اعتباریات «فردی و اجتماعی» است. ساختارها، نهادها، ملکیت‌ها، زوجیت‌ها و ... نمونه‌هایی از اعتباریات اجتماعی هستند.

دانش‌های مختلفی بر محور مفاهیم اعتباری شکل گرفته‌اند؛ از جمله دانش فقه، دانش اصول فقه، دانش اخلاق، دانش‌های زبانی، ... و در نهایت دانش‌های اجتماعی نمونه دانش‌هایی هستند که بر محور مفاهیم اعتباری شکل گرفته‌اند. دانش‌های اجتماعی از اعتباریات اجتماعی‌ای که در دل جهان اجتماعی حضور دارند بحث می‌کنند؛ به گونه‌ای که می‌توان اعتباریات اجتماعی را زمامداران شکل‌دهی دانش‌های اجتماعی دانست.

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی تقریر ویژه‌ای از اعتباریات اجتماعی به دست می‌دهد که پیامدهای مختلفی، به خصوص در حوزه روش‌شناختی برای علوم اجتماعی به ارمغان می‌آورد. حال پرسش این است که نظریه اعتباریات علامه طباطبایی چه تقریری از اعتباریات اجتماعی به دست می‌دهد؟ ویژگی‌های اعتباریات اجتماعی بر اساس این تقریر

چه هستند و این تقریر چه پیامدهای روش‌شناختی برای حوزه علوم اجتماعی به ارمغان می‌آورد؟

### نظریه اعتباریات علامه طباطبایی

نظریه اعتباریات اگرچه در ارتکاز دانشمندان مسلمان، خصوصاً دانشمندان علم اصول فقه وجود داشته و مباحثی پیرامون آن صورت گرفته است، ولی نخستین بار توسط علامه طباطبایی تبدیل به یک نظریه منسجم شده است؛ نظریه‌ای که علامه طباطبایی آن را در حل مسائل متنوعی در دانش‌های مختلف به کار گرفته و آثار، لوازم و احکام آن را به‌وضوح تبیین کرده‌اند.

از دیدگاه ایشان، مفاهیمی همچون «حسن و قبح» که از مبانی دانش اخلاق است، «باید»‌های اخلاقی که از اصلی‌ترین مفاهیم دانش اخلاق است، «نهاد، ساختار، ملکیت و زوجیت» که از مفاهیم رایج علوم اجتماعی است و روابط لفظ و معنا که از مبانی دانش‌های زبانی است و ... همگی پدیده‌هایی اعتباری هستند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲-۱۲۳).

نظریه اعتباریات علامه طباطبایی از وجوه مختلف به اعتباریات اجتماعی پرداخته است. در بُعد هستی‌شناسانه، ایشان پس از آنکه هستی اعتباری را هستی‌ای نه در افق جهان خارجی، بلکه هستی‌ای صرفاً در افق ذهن تعریف می‌کنند (همان، ص ۱۱۵)، این نحوه از هستی را برای تبیین نحوه هستی اعتباریات اجتماعی به‌کار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۴). علاوه بر این در بُعد معرفت‌شناسانه، اعتباریات اجتماعی را ادراکاتی محصول فعل و ساخت انسان معرفی کرده‌اند (همان، ص ۳۵) که متأثر از عوامل اجتماعی شکل می‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۹۲-۹۳ و ۱۲۸؛ همان، ج ۱۱، ص ۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۳۱). ضمن اینکه ایشان اعتباریات را از منظری انسان‌شناسانه، برای تحلیل «کنش‌های انسانی» به‌کار می‌گیرند و چگونگی شکل‌گیری کنش‌های فردی و اجتماعی انسان را از طریق نظریه اعتباریات تبیین می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۵۴).

### چیستی اعتبار از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی برای «اعتبار» معانی مختلفی قائل هستند (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۵۸). ایشان اعتبار را گاهی به معنای «غیر اصیل بودن در مقابل اصیل بودن»، گاهی به معنای «انتزاعی بودن»، گاهی به معنای «غیر مستقل بودن» و گاهی به معنای «اعطاء حدّ شیء لشیء»

به کار برده‌اند (همان). لکن اعتباری که ایشان برای مفاهیم مربوط به حوزه عمل قائل هستند، به معنای «اعطاء حدّ شیء لشیء» است. یعنی، «با عوامل احساسی حدّ چیزی را به چیز دیگری بدهیم به منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عوامل احساسی خود دارند» (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶) و یا «اعتبار، اعطاء حدّ شیئی یا حکم شیئی به شیء دیگر به واسطه تصرف وهم و فعل وهم است»<sup>۱</sup> (همان، ص ۳۴۶-۳۴۷).

### چیستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی

بر اساس تعریف علامه طباطبائی از فرایند «اعتبار کردن»، اعتباریات اجتماعی پدیده‌هایی خواهند بود که از حقایق الگوبرداری شده‌اند؛ زیرا «اعتبار کردن» خود یک نوع الگو گرفتن از حقایق است. از دیدگاه ایشان، این دسته از اعتباریات پس از تشکیل اجتماع به وجود می‌آیند. لذا وجودشان وابسته به اجتماع است. علاوه بر این، ایشان معتقدند که اعتباریات اجتماعی نه تنها در وجود، بلکه در معنا نیز وابسته به اجتماع هستند. بنابراین پیوند اعتباریات اجتماعی با اجتماع، آن قدر وثیق است که بدون اجتماع نمی‌توان هیچ‌گونه تصویری از آنها داشت (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵).

از دیدگاه علامه طباطبائی، انسان از آن جهت که در دنیا زندگی می‌کند دارای هستی‌ای مادی و طبیعی است. زندگی طبیعی و مادی انسان، زمینه حرکت و تکاپوی انسان برای رفع احتیاجات و نیل به کمالات را فراهم می‌آورد. لکن رفع نیازها و نیل به کمالات انسانی به‌گونه‌ای هستند که با زندگی صرفاً فردی نمی‌توان آنها را محقق کرد. یعنی انسان بدون اجتماع نمی‌تواند به ارضای نیازهای خود برسد. به همین دلیل انسان به‌طور طبیعی به سوی زندگی اجتماعی کشیده می‌شود (طباطبائی، ۱۹۹۹م، ص ۱۹۲). به دیگر سخن، زندگی طبیعی انسان به‌گونه‌ای است که انسان برای ارضای اغراضش به‌طور طبیعی دیگران را به «استخدام» می‌گیرد؛ چراکه مستخدم بالطبع است.

انسان پیش از اینکه به اجتماع کشیده شود، دست به یک اعتبار فردی می‌زند. او برای دیگران اعتبار وسیله بودن می‌کند. یعنی حدّ و عنوان «وسیله بودن» را به دیگران می‌دهد تا

۱. بر اساس تعریف صورت گرفته، اعتبار کردن به‌واسطه تصرف «واهمه» تحقق می‌یابد. از دیدگاه ایشان، قوه واهمه از طریق حکم خطائی (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۶-۶۷) و کاذب در اعتبار کردن دخالت می‌کند. لذا اعتباریات قضایایی کاذب هستند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶) که به‌واسطه کنّان تعریف یک چیز از جای خود و تطبیق خطائی آن بر چیز دیگر تحقق می‌یابند. همچنین اعتباریات محصول خطاء در تطبیق هستند.

از آنها برای رفع احتیاجاتش استفاده کند. همین اعتبار فردی، او را به سوی دیگران می‌کشد تا آنها را به خدمت خود بگیرد و به اصطلاح آنها را به استخدام خود درآورد. این فرایند باعث تشکیل اجتماعات انسانی می‌گردد. لذا اجتماعات انسانی با یک اعتبار فردی به نام «اعتبار استخدام» پدید می‌آیند و انسان به وسیله این اعتبار است که زمینه برطرف شدن نیازهای اجتماعی را در خود فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۸). پس از آنکه اجتماعات انسانی تشکیل شد، اعتبارات اجتماعی همچون یک نرم‌افزار برای ارضای نیازهای اجتماعی انسان و تحقق کمالات اجتماعی انسان پدید می‌آیند (جوادی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۷۱).

نیازهای اجتماعی‌ای که مبدأ شکل‌گیری اعتباریات اجتماعی هستند، خود تحت تأثیر عوامل بیرونی تغییر پذیرفته و از این جهت مبدأ شکل‌گیری اعتبارات اجتماعی دیگری می‌گردند. مهمترین عامل بیرونی‌ای که بر نیازهای اجتماعی اثر می‌گذارد، حقیقت جامعه است. از دیدگاه علامه طباطبایی، پس از اینکه اجتماع انسانی به واسطه استخدام‌گری انسان شکل گرفت و تعاملات میان انسان‌ها بر اساس استخدام‌طلبی آنها برقرار گردید، حقیقت نوینی به نام «جامعه» در اجتماع انسانی شکل می‌گیرد که غیر از حقیقت افراد است و قابل تقلیل به آنها نیست. «جامعه» به وجود آمده، پدیده‌ای حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۴)، که بر نیازهای اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و آنها را تغییر داده و یا نیازهای اجتماعی نوینی به وجود می‌آورد که خود مبدأ شکل‌گیری اعتباریات اجتماعی متفاوتی می‌گردند. بدین ترتیب، اعتباریات اجتماعی اگر چه در ابتدای امر تحت تأثیر نیازهای اجتماعی بسیط و ساده شکل می‌گیرند، ولی در ادامه تحت تأثیر نیازهای اجتماعی تغییر یافته یا پدیده آمده توسط حقیقت جامعه شکل می‌گیرند؛ نیازهایی که به مرور پیچیده می‌شود و اعتباریات اجتماعی پیچیده‌ای را پدید می‌آورند.

اعتباریاتی که در زندگی اجتماعی ساخته می‌شوند، گاهی آن قدر زیاد و پیچیده می‌شوند که می‌توان از نظام اعتباریات سخن به میان آورد. انسان در زندگی اجتماعی خود برای رفع نیازها و رسیدن به کمالات اجتماعی‌اش چاره‌ای ندارد مگر اینکه نظامی از اعتباریات اجتماعی را ایجاد کند (یزدانی مقدم، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰). به عنوان مثال، فرض کنیم می‌خواهیم کالایی خریداری کنیم و می‌دانیم که اگر بخواهیم کالا را بخریم «باید» پول بپردازیم. لذا با این کار، اولین اعتبار که همان «اعتبار وجوب و باید» است شکل می‌گیرد. علاوه بر این

درمی یابیم که دادن پول به فروشنده «حَسَن» است. در اینجا عنوان «حَسَن» را اعتبار می‌کنیم. وقتی پول را به فروشنده می‌دهیم و فروشنده پول را در ازای کالا قبول می‌کند، «پول» را به‌عنوان شی‌ای دارای ارزش بین طرفین اعتبار می‌کنیم و آن را به‌عنوان اعتباری اجتماعی بر می‌سازیم. وقتی فروشنده پول را پذیرفت، معنایش این است که مبادله پول در ازای کالا را پذیرفته‌ایم. به دیگر سخن، اعتبار اجتماعی دیگری به نام «معامله و بیع» را بر ساخته‌ایم. وقتی اعتبار «مبادله و معامله» پذیرفته شد، معنایش این است که اعتبار ملکیت فروشنده بر کالا و ملکیت خریدار بر پول را پذیرفته‌ایم. لذا در اینجا اعتباری اجتماعی به نام «ملکیت» را پدید آورده‌ایم. وقتی «ملکیت کسی بر چیزی» را بپذیریم، معنایش این است که «اختصاص» آن چیز به شخص مورد نظر قبول شده است. در اینجا اعتبار «اختصاص» که زیربنای اعتبار ملکیت است بر ساخته شده است و هنوز هم می‌توان لایه‌های مختلف اعتباریات اجتماعی را که ایجادکننده نظامی اجتماعی - اعتباری است مشاهده کرد (حسنی، موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵-۱۵۶). به تعبیر علامه طباطبائی، «این حال انسان در زندگی مادی و طبیعی است. انسان در این زندگی نیازمند به معانی و همی سرایی [ادراکات اعتباری] است. این معانی بین ذات فاقد کمال انسان و کمالاتی که می‌تواند کسب کند واسطه می‌شوند»<sup>۱</sup> (طباطبائی، ۱۹۹۹م، ص ۱۹۴).

از دیدگاه علامه طباطبائی، اعتباریات اجتماعی مربوط به حوزه فعل مشترک انسان‌ها - کنش اجتماعی - هستند. از دید ایشان، فعل مشترک در مقابل فعل فردی قرار می‌گیرد. این فعل قوامش به جامعه است؛ همچون فعل ازدواج و تکلم که قوامش به وجود دیگری است. علامه طباطبائی معتقدند که تحقق فعل مشترک انسان‌ها، بدون اعتباریات اجتماعی دست‌نیافتنی است (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵).

از دیدگاه علامه طباطبائی، اعتباریات اجتماعی در مقابل اعتباریات فردی قرار می‌گیرند. اعتباریات فردی قبل‌الاجتماع و اعتباریات اجتماعی بعدالاجتماع تحقق پیدا می‌کنند (همان، ص ۱۲۶). به اعتقاد ایشان، اعتباریات قبل‌الاجتماع عبارتند از اعتبار و جوب (همان)، حسن و قبح یا خوبی و بدی (همان، ص ۱۲۷)، انتخاب اخف و اسهل یا سبک‌تر و آسان‌تر (همان،

۱. هذا حال الإنسان في نشأة المادة و الطبيعة من التعلق التام بمعان و همية سرابية، هي المتوسطة بين ذاته الخالية عن الكمالات و بين الكمالات الطارئة اللاحقة بذاته.

ص ۱۲۸) اصل استخدام و اجتماع و عدالت اجتماعی (همان، ص ۱۲۹)، اصل متابعت علم (همان، ص ۱۳۵)، ظن اطمینانی یا علم اعتباری طی اطمینانی (همان، ص ۱۳۷-۱۳۸)، اعتبار اختصاص و اعتبار فائده و غایت در عمل (همان، ص ۱۳۹)، تغییر اعتباریات (همان، ص ۱۴۲-۱۴۴). اعتباریات بعدالاجتماع نیز عبارتند از اعتبار ملک (همان، ص ۱۴۵)، اعتبار کلام یا سخن (همان، ص ۱۴۷)، اعتبار ریاست و مرئوسیت و لوازم آنها (همان، ص ۱۴۹) اعتبار امر و لوازم آن (همان، ص ۱۵۰).

بنابراین اعتباریات اجتماعی، اعتباریاتی هستند در مقابل اعتباریات فردی که پس از تشکیل اجتماع و در فرایند تکامل و پیچیدگی شان پس از تشکیل جامعه به وجود می‌آیند. این اعتباریات بدون اجتماع و جامعه معنا نداشته و مربوط به حوزه کنش اجتماعی انسانی هستند. اعتباریات اجتماعی ابزارهایی هستند که برای برطرف شدن نیازهای اجتماعی و رسیدن به کمالات اجتماعی انسان به کار گرفته می‌شوند.

### هستی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی

از دیدگاه علامه طباطبایی، اعتباریات اجتماعی اگرچه می‌توانند برآمده از غایاتی واقعی باشند، لکن در عین حال متکی به تطابق آراء عقلاء و توافقات اجتماعی آنها هستند. بنابراین هستی این دسته از اعتباریات وابسته به توافقاتی است که یک جامعه برای پیشبرد اهدافش صورت می‌دهد.

از دیدگاه ایشان، هستی اعتباریات اجتماعی در ظرف وضع، ذهن و اعتبار عقلی (طباطبایی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۴، ص ۹۶-۹۸) و یا در ظرف اجتماع قرار دارد (همان، ج ۷، ص ۱۲۰، ص ۲۹۶-۲۹۷). به نظر می‌رسد ظرف وضع، ذهن، عقل و ظرف اجتماع که ظرف وجود اعتباریات اجتماعی هستند، همان ظرف ذهنی است (همان، ج ۸، ص ۵۳-۵۴) که شکل جمعی به خود گرفته است. به دیگر سخن، اعتباریات اجتماعی در ظرف ذهن جمعی و مشترک جامعه وجود دارند و هیچ‌گونه هستی‌ای فراتر از ذهن جمعی ندارند؛ همان‌طور که اعتباریات فردی هیچ‌گونه هستی‌ای فراتر از ذهن فردی ندارند.

### ثبات و تغیر در اعتباریات اجتماعی

پرسش از ثبات و تغیر اعتباریات اجتماعی یکی از مسائل اعتباریات اجتماعی است. بیانات متفاوتی که علامه طباطبایی در آثار مختلف ابراز داشته‌اند، پاسخ‌گویی به این پرسش را



دشوار کرده است؛ چراکه در این آثار، هم شواهدی بر متغیر بودن همه اعتباریات اجتماعی وجود دارد و هم شواهدی بر وجود اعتباریات ثابت در اعتباریات اجتماعی آورده شده است.

متغیر بودن همه اعتباریات، از جمله اعتباریات اجتماعی در آثاری همچون رساله الاعتباریات (طباطبائی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۵۰)، رساله التریکیب (همان، ص ۳۱۷-۳۱۸)، رساله البرهان (همان، ص ۲۵۰)، رساله الانسان في الدنيا (طباطبائی، ۱۹۹۹م، ص ۱۸۸) مورد تأکید قرار گرفته است. مهم‌تر از این، ایشان در پاورقی‌هایی که بر کتاب اسفار صدرالمتألهین داشته‌اند به صراحت و بدون هیچ‌گونه ابهامی بر متغیر بودن همه اعتباریات اجتماعی تأکید کرده (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۱، ۳۴۵-۳۴۶، تعلیقه طباطبائی) و هرگونه ثبات را به اعتباریاتی از سنخ معقولات ثانی فلسفی ارجاع داده‌اند. همچنین در مقاله ادراکات اعتباری، علاوه بر اینکه تغییرپذیری همه اعتباریات یک اصل به حساب آمده (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۳۸) و تغیر همه اعتباریات مستند به تبعیت آنها از احساسات متغیر شده (همان، ص ۱۶۱-۱۶۲)، برهان‌ناپذیری همه اعتباریات مستند به تغییرپذیری همه آنها گشته (همان، ص ۱۶۱-۱۶۲) و در نهایت بر تغییرپذیری همه اعتباریات آن‌قدر تأکید شده که شارح این مقاله نیز همین تلقی را از نظریه اعتباریات علامه مورد تأکید قرار داده‌اند (همان، ص ۱۳۸-۱۳۹).

اما درعین حال مباحثی که علامه طباطبائی در پاسخ به نسبی‌گرایی ماتریالیسم در تفسیر المیزان طرح کرده‌اند نشان می‌دهد که ایشان دست‌کم برخی از اعتباریات اجتماعی مربوط به حوزه اخلاق را ثابت می‌دانند (طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۸۲). از دیدگاه ایشان اصل حُسن و قُبْح و چهار مصادیق از مصادیق حُسن و قُبْح، یعنی حُسن عدل، عفت، شجاعت و حکمت، اعتباریاتی اجتماعی کلی، ثابت و مطلق هستند. لذا گزاره «العفة و الشجاعة و الحکمة - العلم - و العدالة هي کلها حسنة» گزاره‌ای کلی، ثابت و مطلق است (همان، ص ۳۷۹). بدین ترتیب نه تنها «عدل حسن است» از اعتباریات اجتماعی کلی و ثابت است، بلکه «عفت حسن است»، «شجاعت حسن است» و «علم حسن است» نیز از اعتباریات اجتماعی کلی، ثابت و مطلق هستند که در همه جوامع از سوی عقلا بر حُسن آنها توافق شده است (همان، ص ۳۷۹-۳۸۱). بنابراین علی‌رغم اینکه در همه آثار علامه طباطبائی اعتباریات اجتماعی به‌طور کلی، اعتباریاتی متغیر و نسبی معرفی شده‌اند، ولی در تفسیر المیزان حداقل در بخشی از اعتبارات اخلاقی اجتماعی، به وجود اعتباریات اجتماعی

ثابت اعتراف شده است. توجه به این نکته لازم است که در تفسیر المیزان صرفاً دسته‌ای از اخلاقیات اجتماعی که از جمله اعتباریات اجتماعی هستند، ثابت دانسته شده‌اند. لکن دیگر اعتباریات اجتماعی همچون نهادها، ساختارها، ملکیت‌ها، زوجیت و ... که عمده‌ترین اعتباریات اجتماعی هستند، اعتباریات متغیر و نسبی به حساب آمده‌اند.

### لوازم روش‌شناختی اعتباریات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی

تقریر علامه طباطبایی از چیستی، هستی، تغیر و ثبات اعتباریات اجتماعی، لوازم روش‌شناختی متناسب با خود را برای علوم اجتماعی به ارمغان آورده است. از دیدگاه ایشان، اعتباریات اجتماعی در زمره گزاره‌های مشهوره، مسلمه و یا مقبوله‌ای قرار می‌گیرند که فاقد هرگونه یقین و هرگونه تطابق با واقعیت نفس‌الامری هستند (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۵۹)؛ اگرچه آنها می‌توانند برآمده از غایات واقعی و نفس‌الامری باشند. به دیگر سخن، اعتباریات اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یکی اعتباریات برآمده از اغراض واقعی، و دیگری اعتباریات برآمده از اغراض وهمی که هیچ‌گونه واقعیتی در جهان خارج ندارند. اعتباریات اجتماعی برآمده از اغراض وهمی، تمام هویت خود را از توافقات اجتماعی گرفته و به حوزه مشهورات، مسلمات و مقبولات صرف یک جامعه تنزل می‌یابند. اما اعتباریات اجتماعی برآمده از اغراض واقعی، از نوع گزاره‌هایی هستند که در یک لایه متکی به توافقات اجتماعی عقلاء هستند و هویتی مشهوره، مسلمه و مقبوله دارند و در لایه دیگر، برآمده از واقعیاتی هستند که برای دستیابی به آن تشکیل شده‌اند. بنابراین اعتباریات اجتماعی برآمده از اغراض واقعی، نه همچون گزاره‌های حقیقی صرف هستند که دارای مطابق و مابه‌ازایی در جهان خارج باشند و نه همچون مشهورات، مسلمات و مقبولات صرفی هستند که هیچ واقعیاتی وراء تطابقات و توافقات اجتماعی عقلاء نداشته باشند. اعتباریات اجتماعی برآمده از اغراض واقعی، از هویتی میانه برخوردارند؛ هویتی که از یک‌سو متکی به اغراض واقعیات خارجی بوده و از سوی دیگر متکی به توافقات اجتماعی عاقلان است؛ به گونه‌ای که بدون هر یک از آن دو، هویت خود را از دست داده و دیگر اعتباری اجتماعی برآمده از اغراض واقعی نخواهد بود.

در هم تنیدگی اعتباریات اجتماعی با تطابقات عقلاء و توافقات اجتماعی آنها از یک‌سو و همچنین حضور اعتباریات اجتماعی در کانون علوم اجتماعی از سوی دیگر و ارجاع این اعتباریات به گزاره‌های مشهوره، مسلمه و مقبوله در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، باعث

شده است که علوم اجتماعی ظرفیت پذیرش روش‌های برهانی را از دست داده (همانجا) و صرفاً قابلیت پذیرش روش‌های جدلی (همانجا)، شعری (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶) و یا خطابی‌ای را داشته باشند که از گزاره‌های مشهوره، مسلمه و یا مقبوله تغذیه می‌شوند. بدین ترتیب، علوم اجتماعی از دسترسی به گزاره‌های یقینی - بدیهی و نظری - و روش‌های برهانی محروم شده و متکی به مشهورات و مسلماتی می‌شود که تمام هویت خود و یا دست‌کم لایه‌ای از هویت خود را از توافقات اجتماعی دریافت می‌کنند؛ گزاره‌هایی که ظرفیت برهان‌پذیری را از علوم اجتماعی سلب کرده و آنها را به سوی روش‌های جدلی و یا حتی روش‌هایی نازل‌تر سوق می‌دهند.

حال اگر به این نکته توجه شود که از دیدگاه علامه طباطبائی اعتباریات اجتماعی ثابت - فضلاً از اعتباریات اجتماعی متغیر و نسبی که عمده اعتباریات اجتماعی را تشکیل می‌دهند - نیز فاقد ظرفیت برهان‌پذیری بوده و صرفاً قابلیت پذیرش روش‌های جدلی را دارند،<sup>۱</sup> لوازم روش‌شناختی نظریه اعتباریات علامه در حوزه علوم اجتماعی نمایان‌تر خواهد شد.

نکته دیگری که لوازم روش‌شناختی تقریر علامه طباطبائی از چستی، هستی، ثبات و تغییر اعتباریات اجتماعی را نمایان‌تر می‌کند، مقایسه مشی روش‌شناختی علامه طباطبائی با سنت فیلسوفان مسلمان در حوزه علوم اجتماعی است. در سنت فیلسوفان مسلمان، علوم اجتماعی - همچون سیاست مُدُن و تدبیر منزل - ذیل حکمت عملی قرار گرفته و حکمت عملی نیز در امتداد حکمت نظری متکی به گزاره‌های یقینی، مطابق با واقعیت نفس‌الامری و روش‌های می‌باشد. بر این اساس، علوم اجتماعی که ذیل حکمت عملی قرار می‌گرفتند، به علومی برهانی و واجد گزاره‌های یقینی و نفس‌الامری ارتقاء می‌یافتند.

فارابی حکمت عملی - و بالتبع علوم اجتماعی نهفته در دل آن - را علومی متکی به گزاره‌های یقینی و روش‌های برهانی معرفی می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳، ۴۱۴، ۴۲۱-۴۲۲، ۴۸۵). ابن‌سینا با صراحت حکمت عملی و دانش اخلاق و دانش سیاست

۱. دیدگاه استاد مطهری که بحث اعتباریات ثابت را بسیار جدی‌تر از علامه طباطبائی طرح کرده‌اند، در حوزه روش‌شناختی عیناً همان دیدگاه علامه طباطبائی است. لذا از دیدگاه ایشان، اعتباریات ثابت نیز اعتباریاتی جدلی و غیر برهانی هستند.

۲. فارابی پس از تبیین تفاوت گزاره‌های یقینی و مشهوره، حکمت نظری، حکمت عملی و منطق را متکی به گزاره‌های یقینی معرفی کرده و بیان می‌دارد: «و الصنائع الیقینیه ثلاث نظریة و علمیه و منطقیة؛ علومی که یقینی‌اند سه صنعت هستند؛ حکمت نظری، حکمت عملی و منطق.»

که از علوم اجتماعی است - را دانشی اکتسابی، یقینی و مفید قوانین کلی معرفی می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰)<sup>۱</sup> که ظرفیت روش‌های برهانی را داراست. ایشان در مواضع متعددی بر یقین‌پذیری، صدق‌پذیری، برهان‌پذیری حکمت عملی<sup>۲</sup> تأکید می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ همان، ۱۳۱۳، ص ۱۹-۲۱؛ همان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ همان، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۶؛ همان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ همان، ۱۹۸۰، ص ۱۲) و نه تنها ایشان، بلکه فیلسوفان برجسته دیگری نیز صدق‌پذیری، برهان‌پذیری گزاره‌های حکمت عملی را پذیرفته‌اند. لذا فیلسوفانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۱؛ همان، ۱۳۶۱، ص ۳۴۶-۳۴۷)، صدرالمتالهین (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ همان، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۹۲)<sup>۳</sup>، حاجی سبزواری (سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷، ۳۲۲-۳۲۱) و

۱. ابن سینا در همین زمینه بیان می‌دارد که «حکمت عملی یک معرفت غریزی نیست. بلکه معرفتی اکتسابی است که به نظر و رویه و به وسیله قیاساتی که مفید قوانین کلی هستند تحقق می‌یابد؛ همچون قیاساتی که در کتب اخلاق و سیاسیات دیده می‌شوند ... بنابراین لامحاله حکمت عملی در نزد ما دانشی اکتسابی و یقینی و حقیقی است و هر معرفت حقیقی یقینی حکمت و یا جزئی از حکمت است» (ابن سینا، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰). بر اساس این بیان نیز گزاره‌های حکمت عملی، گزاره‌های یقینی هستند که هم برهان‌پذیرند و هم می‌توانند در طریق برهان قرار گیرند.

۲. برخی از این مواضع، اظهارات ابن سینا در حوزه حسن و قبح هستند و از آن جهت که مدرک عقل عملی است، حکم آن قابل سرایت به دیگر مدرکات عقل عملی می‌باشد. مفاهیم اجتماعی نیز از مدرکات عقل عملی هستند و برخی دیگر از این مواضع به طور مطلق مدرکات عقل عملی را صدق‌پذیر و یقین‌پذیر معرفی کرده‌اند که به طور طبیعی ظرفیت پذیرش روش‌های برهانی را ایجاد می‌کنند.

۳. شارحان برهان شفا نیز همین برداشت را از دیدگاه ابن سینا در برهان شفا در مورد گزاره‌های حکمت عملی داشته‌اند. آیت‌الله مصباح یزدی در شرحشان بر برهان شفا، نظر ابن سینا را بر اساس این نگرش که گزاره‌های حکمت عملی صدق و کذب پذیرند شرح داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵).

۴. صدرالمتالهین - طبق آدرس اول - بیان می‌دارد که نفس انسانی دارای دو قوه عقل نظری و عقل عملی است. عقل نظری مدرک کلیات است؛ حتی اگر کلیات از امور عملی باشند. به عنوان مثال، مفهوم کلی حُسن و قبح که از امور عملی هستند باید توسط عقل نظری درک گردند و از سوی دیگر، مدرکات عقل نظری حتی اگر از امور عملی باشند به صدق و کذب متصف می‌گردند. لذا مفهوم کلی حُسن و قبح متصف به صدق و کذب می‌گردند و از آنجاکه صدق به معنای مطابقت با جهان خارج است، اتصاف حُسن و قبح به صدق و کذب نشان دهنده این است که حُسن و قبح دارای مطابقتی در جهان خارج هستند، و الا هرگز متصف به صدق و کذب نمی‌شدند. بنابراین از دیدگاه صدرالمتالهین همه مفاهیم کلی عملی، و به تبع علوم اجتماعی نهفته در دل آن دارای نفس‌الامری در جهان خارج هستند و اعتباری و ساختگی محض نمی‌باشند. صدرالمتالهین - طبق آدرس دوم - بیان می‌دارد: قیاسی که منتهی به درک جزئی از امور عملی می‌شود و زمینه را برای انجام عمل فراهم می‌آورد، متصف به صحت و سقم یا حق و باطل می‌گردد. این اتصاف به معنای آن است که نتیجه و مقدمات این قیاس دارای صدق و کذب هستند. لذا به طور یقین می‌توان گفت از دیدگاه صدرالمتالهین مدرکات عقل عملی نیز صدق و کذب می‌پذیرند. مفاهیم اجتماعی نیز از مدرکات عقل عملی هستند.

محقق لاهیجی (لاهیجی، ۱۳۶۴، ص ۶۰-۶۲؛ همان، ۱۳۸۳، ص ۳۴۳-۳۴۵) همین دیدگاه را مورد تأکید قرار می‌دهند. درحالی‌که بر اساس تقریر علامه طباطبائی از اعتباریات اجتماعی، علوم اجتماعی و بلکه بر اساس نظریه اعتباریات ایشان، کل حکمت عملی دچار یک تنزل معرفت‌شناختی و روش‌شناختی می‌شوند؛ به طوری‌که حکمت عملی و علوم اجتماعی قرار گرفته در ذیل آن، می‌بایست هرگونه گزاره یقینی را کنار بگذارند و از روش‌های برهانی چشم پوشیده و به مشهورات، مسلمات و مقبولات عقلاء اتکاء کرده و روش جدلی و یا حتی روش شعری را برای پیشبرد اهدافشان برگزینند.

### نتیجه

در تبیین علامه طباطبائی از اعتباریات اجتماعی، اعتباریات اجتماعی اگرچه می‌توانند متکی به اغراض واقعی باشند، اما به آن دلیل که فاقد نفس‌الامر حقیقی در جهان خارجی هستند و هستی آنها محصول توافقات اجتماعی است، امکان جریان برهان را از دست داده و صرفاً قابلیت پذیرش روش‌های جدلی، خطابی و یا حتی شعری خواهند داشت.

تبیین مذکور، علوم اجتماعی و به طور کلی حکمت عملی را با یک چرخش روش‌شناختی مواجه می‌سازد. بر این اساس دانش‌های مذکور، اگرچه در سنت فیلسوفان مسلمان متکی به روش‌های برهانی بوده‌اند، اما بر پایه تبیین علامه طباطبائی از ادراکات اعتباری، خصوصاً اعتباریات اجتماعی، چاره‌ای جز روی آوردن به تنزلی روش‌شناختی ندارند.

تنزل روش‌شناختی مذکور مقتضی برانگیختن تأمل در تبیین علامه طباطبائی از اعتباریات اجتماعی، بازنگری و یا دست‌کم بازسازی آن است؛ امری که در صورت غفلت از آن، زمینه‌های ارتقاء علوم اجتماعی در فرهنگ اسلامی را نادیده انگاشته و آنها را از سطح دانش‌هایی برهانی به سطح دانش‌های جدلی، شعری و یا خطابی تنزل خواهد داد.

کتابنامه

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳). دانش‌نامه علائی (منطق). تصحیح سید محمد مشکوة. چاپ دوم. تهران: انتشارات دهخدا.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات (ج ۱). قم: نشر البلاغه.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). المباحثات. توضیح مقدمه و تحقیق از محسن بیدارفر. قم: انتشارات بیدار.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). الشفاء (ج ۲). تحقیق سعید زاید. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۳ق). رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهدایة الاثیریة). تهران: بی جا.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۰م). عیون الحکمة. تحقیق عبدالرحمن بدوی. چاپ دوم. بیروت: دارالقلم.
۷. الفارابی، ابونصر (۱۴۰۸ق). المنطقیات للفارابی (ج ۱). تحقیق و مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۸. جوادی، محسن و دیگران (۱۳۹۵). گفتارهایی در نظریه اعتباریات و نظریه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق ۷.
۹. حسنی، سیدحمیدرضا و موسوی، هادی (۱۳۹۱). ساخت و عامل در نظریه اعتباریات علامه طباطبائی و نظریه ساخت‌یابی گیدنز. دو فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲ (۲).
۱۰. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۷۲). شرح الاسماء الحسنی أو شرح دعاء الجوشن الکبیر. تحقیق نجفقلی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۰). الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة. تصحیح و تعلیق از سیدجلال‌الدین آشتیانی. چاپ دوم. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. (ج ۱، ۹۸). چاپ پنجم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۷). اصول فلسفه رئالیسم. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (ج ۸، ۴). چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). چاپ دوم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج ۲، ۱). چاپ دوم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲). رساله الاعتبارات، «رسائل سبعة». قم: بنیاد علمی و فکری استاد علامه. همکاری نمایشگاه و نشر کتاب.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۳۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۴). چاپ نهم. قم: نشر مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۶ق). نهاية الحکمة. چاپ دوازدهم. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق). مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی. قم: نشر باقیات.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق). تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن (ج ۲). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۹م). الرسائل التوحیدية. بیروت: مؤسسه النعمان.
۲۳. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۷۵). شرح الاشارات و التنبیها مع المحاکمات (ج ۱). قم: نشر البلاغه.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). اساس الاقتباس. تصحیح مدرس رضوی، چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق (۱۳۸۳). گوهر المراد. تهران: نشر سایه.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴). سرمایه ایمان. به کوشش صادق لاریجانی آملی. چاپ دوم. قم: انتشارات الزهراء.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). شرح برهان شفا (ج ۱). تحقیق محسن غرویانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱.
۲۸. یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۹۵). مبانی انسان شناسی نظریه اعتباریات. فصلنامه تخصصی علوم انسانی صدره ۵ (۱۸).